

بررسی مفهوم و اهداف رجعت

فاطمه الفتی^۱

هیچ حادثه‌ای در این عالم، بدون هدف و فلسفه نیست و هر واقعه‌ای نسبت به بزرگی و اهمیتی که دارد، هدفش نیز مهم تر می‌شود. اساسی ترین آرزویی که جامعه بشریت خواستار تحقق آن است ظهور منجی و مصلح کل می باشد موعودی که با آمدنش بساط تباهی و پلیدی از روی زمین رخت برمی بندد و امنیت و صفا و نوع دوستی به جای آن فراگیر می گردد. رجعت، عملی است حکیمانه که در عظمت و بزرگی آن هیچ شکّی وجود ندارد، تا جایی که برخی به دلیل عجز از درک آن، با انکار رجعت، راه توجیه و تأویل را برگزیده اند؛ یکی از اهداف رجعت، تحقق وعده پروردگار عالم به اهل ایمان است که آن‌ها را حاکم بر جهان گرداند. روز رجعت، یکی از روزهای تجلّی قدرت و عظمت خداوند شمرده شده است. از این مطلب اهمیت والای رجعت فهمیده می شود؛ این مسئله بسیار وسیع و گسترده می باشد که نیاز به مطالعه و بررسی در ابعاد بیشتری هست و به همین دلیل در این مقاله فقط به بررسی بعضی از موارد آن پرداخته شده است. از جمله اهداف رجعت عبارت است از: تحقق وعده حاکمیت مؤمنان بر زمین، اظهار قدرت و عظمت الهی، شادمانی و تشفیّ دل مؤمنان، عذاب و ذلّت کافران و موارد دیگر. این مقاله به روش نقلی-وحيانی و به شیوه کتابخانه‌ای تنظیم شده است.

کلید واژه: رجعت، اهداف رجعت، بازگشت، مومنان، کافران.

^۱ ترم هشتم، پایه چهارم سطح دو.

حوزه علمیه امام خمینی (ره)، کرمانشاه، کرمانشاه.

در همه ادیان به ظهور مصلح جهانی بشارت داده شده است و این مصلح جهانی است که وارث همه علوم و معجزات انبیاء گذشته می باشد و عدل و داد را برقرار می نماید و زمین را از لوٹ ستمکاران و خیانتکاران پاک می کند (کلینی ۱۳۶۵ ج ۱، ص ۳۳۸). امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) که همان مصلح موعود است همه معجزات پیامبران را خواهد داشت؛ بنابراین زنده شدن مردگان - رجعت - نیز از معجزات زمان ظهور آن حضرت خواهد بود.

رجعت بازگشت انسان های کافر و مومن به این دنیا می باشد چراکه این افراد در زمان زندگی خود به پاداش و جزاء کاملی که حق ایشان بوده، نرسیده اند. در رجعت فواید، اهداف و مسائل مختلفی قرار دارد که نیاز به توجه خاصی هستند مطالعه اهداف رجعت انگیزه خاصی به انسان می دهد تا در راستای انجام اعمال نیک و رسیدن به ایمان واقعی انسان گام بردارد و این چنین شاید در صف رجعت کنندگان زمان ظهور و منتظران واقعی قرار گیرند.

با توجه به آیات قرآن کریم مشخص می شود که رجعت پیشینه ای تاریخی در میان اقوام و افراد مختلف دارد از جمله آن رجعت در قوم انطاکیه، رجعت ذوالقرنین و رجعت فرزند حضرت نوح - علیه السلام - می باشد. و مسئله رجعت فقط در بحث آخر الزمان بیان نمی شود.

در مقاله پیش رو مباحث مفهوم شناسی مسئله رجعت، اثبات، فلسفه، نظرات مختلف علماء، رخداد های پیشین، آیات و روایات متفاوت و موارد دیگری مورد بررسی قرار می گیرد. با توجه به کتب فراوانی در این زمینه که به دست ما رسیده است اما نیاز به جمع آوری منظم اهداف آن در این مجموعه بود، کتب به کار برده شده شامل:

که به روش نقلی - و حیانی و به شبهه کتابخانه ای تنظیم شده است.

کلمه رجعت - به فتح راء - یک مرتبه از رجوع و بازگشت است که از -رجع یرجع رجوعاً- از باب -ضرب-

يَضْرِبُ- به معنی انصرف و عاد، و به فارسی به معنی بازگشت نمودن آمده است. و رجعت در فارسی به معنی

برگشتن است. و به اصطلاح جماعت امامیه، بازگشت به دنیا بعد از مردن و بعد از ظهور امام عصر مولانا حجه بن

الحسن -علیه السلام- می باشد.

رجوع به معنای برگشتن و برگرداندن به مکان، حالت و گفتار سابق است. «الرَّجْعَةُ» به معنای برگشتن به دنیا پس

از مرگ، استعمال می شود. گفته می شود: فلانی ایمان به رجعت دارد؛ یعنی ایمان دارد که بعد از مرگ به دنیا برمی

گردد. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۸).

رجعت در اصطلاح، عبارت است از این که خداوند، همزمان با ظهور حضرت مهدی -علیه السلام- عده ای از

بندگان صالح خودش را که در ایمان و عمل، اسوه ی مؤمنان بوده اند و هم چنین عده ای از کفار و منافقان که در

کفر و نفاق، سر سلسله ی کفار و منافقان بوده اند، با همان ویژگی های روحی و جسمی خودشان به دنیا برمی

گرداند تا این که هر دو گروه، در حدّ امکان نتیجه ی دنیایی اعمالشان را دریافت کنند. از تعاریف، استفاده می شود

که رجعت کنندگان همه از دنیا رفته اند و بعد از مرگ دوباره زنده شده به دنیا برمی گردند و زندگی جدیدی را

شروع می کنند. پس اگر کسی زنده باشد و در آخرالزمان ظهور و یا نزول کند «مثل ظهور حضرت مهدی علیه السلام

و نزول حضرت عیسی علیه السلام و ...» رجعت به معنای اصطلاحی، گفته نمی شود.

روایات فراوانی از طریق شیعه و سنی وارد شده است که آنچه در اُمت های گذشته رخ داده است در این اُمت نیز رخ خواهد داد، پس با توجه به این روایات، یکی از رخدادهای مهم و مکرر اُمت های گذشته که رجعت است در اُمت اسلامی هم به وقوع می پیوندد.

آیات و روایات به طور اجمال بر تحقق رجعت دلالت دارند؛ نظیر سخن خدای متعال که فرموده است: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ، أَيْ گمان کرده اید وارد بهشت می شوید و حوادثی مانند حوادث گذشته را به شما نمی رسد؟» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، بقره، آیه ۲۱۴) و از جمله حوادثی که قبل از ما واقع گردیده است و در این اُمت هم به وقوع می پیوندد زنده شدن مردگان است، همان گونه که قرآن قصه ابراهیم و موسی و عیسی و عزیر و ارمیا و کسان دیگری غیر از آنها را نقل کرده که بازگشت اموات تحقق یافته است و شیعه و سنی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که فرمود: «قسم به کسی که جانم در دست اوست همانا شما مسلمانان با سنت هایی که در اُمت های گذشته بوده است روبرو خواهید شد و مو به مو در این اُمت هم پیاده خواهد شد به طوری که نه شما از راهی که برای آنها بود جدا می شوید و نه سنت های بنی اسرائیل از شما جدا خواهند شد». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۰۸)

روایات تکرار رخدادهای اُمت های گذشته فراوان است و در اینجا چند مورد آن آورده می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كُلُّمَا كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ حَذْوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقَدَّةُ بِالْقَدَّةِ. آنچه در بنی اسرائیل رخ داد بدون کم و کاست در این اُمت هم رخ خواهد داد.» (شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۰۳، ۱۳۸۵)

همچنین در روایت دیگری با سند صحیح فرمود: «كُلُّمَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّابِقَةِ يَكُونُ مِثْلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ حَذْوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَالْقَدَّةُ بِالْقَدَّةِ. آنچه در اُمت های گذشته واقع شد بدون کم و زیاد در این اُمت هم به وقوع می پیوندد.» (شیخ صدوق، ۱۳۷۷، ص ۵۷۶)

چیزی در امت پیامبران پیش از من واقع نشد مگر اینکه نظیر آن در امت من واقع می شود.

رجعت در امت های گذشته

در بحث قبل بیان گردید که آنچه در امت های گذشته پیش آمده است در این امت هم پیش خواهد آمد و

در این بحث بیان می کنیم که یکی از اموری که در میان آنها پیش آمد رجعت بود و در نتیجه رجعت در امت

اسلامی هم پیش خواهد آمد و گریزی از پذیرش آن نخواهد بود.

خداوند در قرآن کریم درباره رجعت در امت های قبل چنین می فرماید: «وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا

الْمُرْسَلُونَ) (إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزُوا بِثَلَاثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ؛ برای این مردم حال آن قریه (انطاکیه) را مثل زن

که رسولان حق برای هدایت آنها آمدند. که نخست دو تن از رسولان را فرستادیم و چون تکذیب کردند باز رسول سومی برای مدد

و نصرت مأمور کردیم، و همه گفتند: ما (از جانب خدا) به رسالت برای هدایت شما آمده ایم. «(یس، ۱۳).

در آیات مورد بحث نمونه ای از وضع امت های پیشین در همین زمینه مطرح شده، و در ضمن این آیات و چندین

آیه بعد سرگذشتی از چند تن از پیامبران پیشین که مأمور هدایت قوم مشرک و بت پرستی بودند که قرآن از آنها به

عنوان اصحاب القریه یاد کرده و آنها به مخالفت برخاستند و آنان را تکذیب کردند و سرانجام به عذاب دردناکی

گرفتار شدند بیان می کند، تا هم هشداری باشد برای مشرکان مکه، و هم تسلی و دلداری باشد برای پیامبر و مومنان

اندک آن روز، به هر حال تکیه بر این سرگذشت در قلب این سوره که خود قلب قرآن است به خاطر شباهت تمامی

است که با موقعیت مسلمانان آن روز دارد.

نخست می فرماید: «برای آنها اصحاب قریه را مثال بزن هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنها آمدند (و اضراب

لهم مثلاً اصحاب القریه اذ جائها المرسلون» قریه در اصل نام برای محلی است که مردم در آن جمع میشوند، و گاهی

به خود انسانها نیز قریه گفته می شود، بنا بر این مفهوم گسترده ای دارد که هم شهرها را شامل میگردد و هم

روستاها را، هر چند در زبان فارسی معمولی تنها به روستا اطلاق میشود، ولی در لغت عرب و در قرآن مجید کرارا

نتیجه

رجعت بازگشت افراد به دنیا است؛ البته افراد خاصی که یا از لحاظ ایمان در مرتبه عالی قرار دارند و یا از لحاظ کفر و نفاق در مرتبه انحطاط قرار می گیرند تا در همین دنیا پاداش و عذاب دنیایی خود را به حق بچشند. و همچنین در این مقاله فهمیده شد که رجعت از ضروریات مذهب شیعه است پس اعتقاد به آن واجب و رد آن موجب خروج از مذهب تشیع می گردد.

در این مقاله با تکیه بر آیات قرآن و روایات معصومان -علیه السلام- مواردی از اهداف رجعت نام برده شد که باتکیه بر آنها می توان آرامش خاصی به جامعه شیعی بخشید چرا که از اهداف رجعت تحقق وعده حاکمیت مؤمنان بر زمین، اظهار قدرت و عظمت الهی، شادمانی و تشفی دل مؤمنان، عذاب و ذلت کافران می باشند و همین موارد تسلی بخش انسان در دنیای ظلم و استبداد است. علاوه بر بررسی اهداف، به کلیاتی از مسئله رجعت نیز پرداخته شد چرا که دستیابی به اهداف نیازمند شناخت می باشد پس لازم بود که به رجعت در امت های گذشته، اثبات، فلسفه رجعت اشاره ای هر چند مختصر بشود. امید است که به نظر گویند اهداف پیوسته شده فید و جامعه در راه درست و مسقیم از ظلم و رنجی و آخر الزمان قرار گیرند.

- مکارم شیرازی ۱۳۸۸، قرآن، دارالقرآن الکریم، تهران.
 - علی بن ابی طالب، ۱۳۸۷، نهج البلاغه، محمد دشتی، امام عصر، جعفری، اول، قم.
 - علی بن ابی طالب، ۱۳۶۶، غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات قم.
۱. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۱-۱۳۲۵ ش، لغت نامه، زیر نظر محمد معین، تهران.
 ۲. سبحانی، آیت الله جعفر، ۱۳۷۷، نظام اخلاقی اسلام، موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، نهم).
 ۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۷۱، اصول کافی، ناشر دارالکتب الاسلامیه، تهران.
 ۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۳۶۲، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، دوم.
 ۵. محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۶، میزان الحکمه، حمید رضا شفیعی، دارالحديث.
 ۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۸، اخلاق در قرآن، امام علی بن ابیطالب (ع)، قم.
 ۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، دارالکتاب اسلامیه، تهران، سی و دو.
 ۸. السرابی ولی الله، ۱۳۶۳ق. اثبات الرجعه، المطبعة الرضایی، بی جا.
 ۹. شیخ مفید، ۱۴۱۳ق. اجوبه المسائل العکبریة (ضمن مصنفات شیخ مفید، ج ۶)، الموءتمر العالمی لافیه الشیخ المفید، بی جا،
 ۱۰. علم الهدی سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، اجوبه مسائل متفرقه من الحديث و غيره، (ضمن: رسائل الشریف المرتضی؛ ج ۳)، دارالقرآن الکریم، قم.
 ۱۱. الطبرسی ابومنصور احمد بن علی بن ابیطالب، ۱۴۱۳ق. الاحتجاج، تحقیق: الشیخ ابراهیم البهادر و...، نشر اسوه، بی جا.

١٢. العريفي سعود بن عبدالعزيز بن محمد، ١٤١٩ق. الأدلة العقلية النقلية على الاصول الاعتقاد، دارعالم الفوائد، عربستان، مکه.

١٣. ، علامه مجلسي، ١١١٠ق، ١٣٩٩. الاربعين، المطبعة العلمية، قم.

١٤. شيخ مفيد (م ٤١٣ق)، الارشاد (ضمن مصنفات شيخ مفيد، ج ١١)، الموءتمر العالمي، بی جا،

١٥. شیرازی محمد بن ابراهيم صدرالدين (ملاصدرا) (م ١٠٥٠ق)، ١٤١٩ق الاسفار الاربعة، ، داراحياء التراث العزلي، چاپ ٥.

١٦. آل كاشف الغطاء محمدالحسين ، (م ١٣٧٣ق)، اصل الشيعة و اصولها، دارالاضواء، بيروت،

١٧. الغفاري ناصر بن عبدالله بن علي، ١٤١٥ق، اصول مذهب الشيعة الامامية، بی نا، بی جا.

١٨. طيب سيد عبدالحسين (م ١٤١١ق)، اطيح الطبيان في تفسير القرآن، انتشارات اسلام، چاپ ٣، تهران، ١٣٦٦ ش.

١٩. شيخ صدوق، (م ٣٦١ق) ١٤١٣ق، الاعتقادات، (ضمن مصنفات شيخ مفيد، ج ٥)، الموءتمر العالمي...، بی جا.

٢٠. الامام السيد محسن الامين ١٤٠٣ق، اعيان الشيعة، حسن الامين، دارالتعاريف للمطبعات، بيروت.

٢١. سبحاني جعفر، ١٤١٧ق، الالهيات على هدى الكتاب و السنة و العقل، مؤسسة الامام الصادق عليه السلام، قم.

٢٢. مجدي محمد علي محمد، ١٤١٨ق، انتصار الحق، دارطبعة للنشر والتوزيع، الرياض.

٢٣. السيد عبدالله الشير (م ١٢٤٢ق)، ١٤٠٣ق، انوارالامعة في شرح زيارة الجامعة، مؤسسة الوفاء، بيروت.

٢٤. الجزائري السيد نعمه الله ، (م ١١١٢ق)، انوارالنعمانية، مطبعة شركة چاپ، تبريز، بی تا.

٢٥. شيخ مفيد ، ١٤١٣ق، اوائل المقالات في المذاهب و المختارات (ضمن مصنفات شيخ مفيد، ج ٤)، بی جا،

٢٦. مطبعة اسبارطيل، ١٤٢٢ق، اهل السنة و الشيعة بين الاعتدال و الغلو، العلامة ابي الضوح، بی جا.

٢٧. جلال الدين حسيني، ١٣٦٣ ، الايضاح، فضل بن شاذان نيشابوري ازدي، دانشگاه تهران، تهران،

۲۸. الموسوی الاصفهانی الکاظمی، محمد مهدی، (م ۱۳۹۱ق)، ایقاظ الامة من الضجعة فی اثبات الرجعة مطبعة النجاح، بغداد، بی تا.
۲۹. محمد الصدر، ۱۴۱۴ق، بحث حول الرجعة، السيد دارالاضواء، بیروت.
۳۰. الخرازی السيد محسن، ۱۴۱۸ق، بداية المعارف الالهية فی عقائد الامامية، مؤسسة النشر الاسلامی، بی جا.
۳۱. الجمیلی عبدالله، ۱۴۱۹ق، بذل المجهود فی اثبات مشابیهة الرافضة واليهود، مكتبة الغرباء الاثرية، بی جا.
۳۲. مجتهدی شاهرودی عباسعلی، ۱۳۳۹ش، برهان الشيعة، بی نا، بی جا، چاپ سنگی، تاریخ وقف به کتابخانه آستان قدس رضوی.
۳۳. بهشتی لاری آیه الله سید هبة الله، ۱۳۵۴، بشارة الرجعة، بی نا، بی جا.
۳۴. احسان الله ظهير، بین الشيعة و اهل السنة، ادارة ترجمان السنة، پاکستان، لاهور، بی تا.
۳۵. ابن خلدون (م ۸۰۸ق)، تاریخ ابن خلدون، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی تا.
۳۶. الطبری محمد بن جریر (م ۳۱۰ق)، لتوخیخ الطبری، تحقیق: ابوالفضل ابراهیم، روائع التراث العربی، بی جا، بی تا.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۶، میزان الحکمه، حمیدرضا شفیعی، دارالحديث.
۳۷. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، مقدمه ای بر جهان بینی اسلام، جلد ۱، انسان وایمان.
۳۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، فلسفه اخلاق، صدرا، تهران.
۳۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۸، بیست گفتار، صدرا، تهران.
۴۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، مجموعه آثار شهید مطهری . ج ۲۱، صدرا، تهران.
۴۱. ابن شعبه حرّانی، ابو محمد، ۱۳۹۲. تحف العقول، سیدعلی حسینی، اندیشه مولانا، قم.
۴۲. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی ملقب به شیخ صدوق، ۱۳۶۲ الخصال، جامعه مدرّسین، قم.
۴۳. بروجردی، سید حسین طباطبائی، ۱۳۸۳، جامع احادیث الشيعة، المطبعة العلمية، ج ۱۸.
۴۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۳، مفردات الفاظ القرآن تهران، المكتبة المرتضوية لاحياء آثار الجعفریه .

۴۵. قمی - شیخ صدوق - ابن بابویه ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین ، من لا یحضره الفقیه، محمد جواد غفاری، تهران دارالکتب الاسلامیه ۱۳۸۵.

۴۶. شیخ صدوق ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، ۱۳۷۷، کمال الدین و تمام النعمه ، محمد باقر کمره ای، تهران، اسلامیه.

۴۷. قمی ، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، موسوی جزایری ، تفسیر العیاشی، قم، دارالکتب.

۴۸. شیخ نعمانی ، ۱۳۸۸ الغیبه ، علی اکبر غفاری ، مکتبه صدوق - تهران.

۴۹. کارگر ، رحیم، ۱۳۸۳ ، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، قم ، مؤسسه اطلاع رسانی اسلامی مرجع،

۵۰. حر عاملی، محمد بن حسن ، ۱۳۶۲ ایقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، تهران، نوید.

۵۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، محمد بیستونی ، قم ، بیان جوان.

۵۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۳۶۳، الدر المنثور فی التفسیر الماثور، مکتب آیت الله العظمی

مرعشی، قم، ایران.

۵۳. صفار، محمد بن حسن، ۱۳۶۲، بصائر الدرجات، میرزا حسن کوجه باغی، تهران، منشورات الأعلمی.

۵۴. غزالی، محمد بن محمد، ۱۳۶۲، احیاء علوم الدین، بیروت، بی جا.

۵۵. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۳، دلائل الامامه، دارالذخائر المطبوعات، قم.